

An analytical study on Cognitive Strategies for Attitude Formation and Change with Emphasis on the Qur'anic Thoughts of Imam Khamenei

Seyed Mohammad Alavizadeh¹ ; Mehdi Hadi² 

1. PhD Student, Quran and Sciences (Psychology), Al-Mustafa International University, Qom, Iran, (Corresponding Author), alavizade@mail.ir
2. Assistant Professor Department of Psychology, Non-Profit and Non-Governmental Institute of Ethics and Education, Qom, Iran, mahdihadi114@gmail.com

Research Article



Abstract

This article examines cognitive methods and their impact on formation and change of individuals' attitudes from the perspective of Qur'anic teachings, focusing on the views of Imam Khamenei the Supreme Leader of the Islamic Revolution. This study analyzes Qur'anic principles and concepts related to cognition, such as thinking and reasoning, and how they are used to cultivate positive and constructive attitudes in Islamic society. Imam Khamenei not only shaped his social and political attitudes with inspiration from the Qur'an, but he was also able to influence people's attitudes and use the Qur'an as a rich source for intellectual and practical guidance of individuals. Therefore, this article, in order to introduce the scientific and Qur'anic personality of the Supreme Leader, uses library resources and a descriptive-analytical method to examine the cognitive strategies effective in changing attitudes.

The findings of this study show that there are strategies for forming and changing attitudes that can be divided into three categories according to the three components of attitude: cognitive, behavioral, and emotional strategies. These strategies also correspond to the three areas of learning, namely cognitive, emotional, and psychomotor in the psychology of learning.

Psychological analysis of the Supreme Leader's Qur'anic thoughts shows that there are numerous cognitive strategies for creating or changing attitudes. These strategies are divided into several main categories: 1. Methods based on thinking and reasoning, such as calling for thinking and reasoning, paying attention to important matters, creating cognitive dissonance, and cognitive justification for the outcome of each task; 2. Methods based on reasoning and proof, such as logical reasoning and proof, argument by Sabr and Taqsim (examination), argument by Nafy and Ithbat (negation and proof), analogy and personification, and simile; 3. Citing the Qur'an and Sunnah which are in harmony with human nature, as well as being stable, permanent, unchangeable, comprehensive to all aspects of human life, trustworthy and highly respected by believers, so they can be help people to reform their opinions; 4. A method based on modeling successful and popular people, which motivates the individual to move towards self-improvement and develop more positive attitudes; 5. A method based on learning from lessons. According to this method fear of repeating others' mistakes is one of the strong motivations for changing attitudes. For example, instructive stories from past peoples show the individual what factors, including what attitudes, caused their downfall and destruction; 6. Storytelling-based method. Stories, especially for children and adolescents, are a very effective tool for teaching moral and religious concepts because, along with the effects of modeling and learning lessons, they also have many emotional and sentimental aspects. In general, these findings show that the Supreme Leader's Qur'anic thoughts emphasize the importance of using diverse cognitive methods to form and change attitudes. These methods, by focusing on thinking, reasoning, modeling, and learning lessons, can be effectively used to create positive attitudes and change undesirable attitudes.

KEYWORDS: Attitude Change, Attitude Stabilization, Negative Attitude, Positive Attitude, Imam Khamenei.

Received: 2024-05-28 | Received in revised from: 2024-09-02 | Accepted: 2024-12-28 | Published online: 2024-09-22

◆ How to cite: Alavizadeh, Seyed Mohammad, Hadi, Mahdi(1403SH): "An analytical study on Cognitive Strategies for Attitude Formation and Change with Emphasis on the Qur'anic Thoughts of Imam Khamenei", *quran and social sciences*, 4(15), p74-109, [10.22034/arq.2024.212248](https://doi.org/10.22034/arq.2024.212248)

©The Author(s). Article type: Research Article Published by: University of Holy Quran Sciences and Education



arq.quran.ac.ir

تحلیل و بررسی راهبردهای شناختی شکل‌گیری و تغییر نگرش با تأکید بر اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله)

سید محمد علوی زاده^۱؛ مهدی هادی^۲

۱. دانشجوی دکتری، قرآن و علوم (گرایش روانشناسی)، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران، (نویسنده مسئول)،

alavizade@mail.ir

۲. استادیار، گروه روانشناسی، موسسه غیر انتفاعی و غیر دولتی اخلاق و تربیت، قم، ایران، mahdihadi114@gmail.com

بزرگ‌هشی



چکیده

این مقاله به بررسی روش‌های شناختی و تأثیر آن‌ها بر تغییر و شکل‌دهی نگرش افراد از منظر آموزه‌های قرآنی، با تمرکز بر دیدگاه‌های امام خامنه‌ای (مدظله) می‌پردازد. این مطالعه به تجزیه و تحلیل اصول و مفاهیم قرآنی مرتبط با شناخت از قبیل تفکر و تعقل و چگونگی کاربرد آن‌ها در پرورش نگرش‌های مثبت و سازنده در جامعه اسلامی می‌پردازد. امام خامنه‌ای نه تنها با الهام از قرآن نگرش‌های اجتماعی و سیاسی خود را شکل داده بلکه توانسته که نگرش‌های مردم را هم تحت تأثیر قرار دهد و از قرآن به عنوان منبعی غنی برای هدایت فکری و عملی افراد بهره‌بردارد؛ از این رو این مقاله در راستای معرفی شخصیت علمی و قرآنی مقام معظم رهبری، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی راهبردهای شناختی مؤثر بر تغییر نگرش‌ها می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهند که راهکارهایی مانند دعوت به تفکر، توجه به عظمت خدا، ایجاد ناهماهنگی شناختی، توجیه شناختی، استدلال و برهان‌های مختلف، استناد به قرآن و سنت، الگودهی، معرفی عبرت‌ها و قصه‌گویی می‌توانند در تثبیت نگرش‌های مثبت و تغییر نگرش‌های منفی مؤثر باشند. این راهکارها به عنوان ابزاری برای تقویت ایمان، اخلاق و رفتار اجتماعی مناسب به کار می‌روند و نقشی کلیدی در تحول فردی و اجتماعی ایفا می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: تغییر نگرش، تثبیت نگرش، نگرش منفی، نگرش مثبت، امام خامنه‌ای.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۸ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۶/۱۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۸ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

◆ استناد به این مقاله: علوی زاده، سید محمد؛ هادی، مهدی (۱۴۰۳): «تحلیل و بررسی راهبردهای شناختی شکل‌گیری و تغییر نگرش با تأکید بر اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله)»، *قرآن و علوم اجتماعی*، ۴ (۱۵)، ۷۴-۱۰۹. [10.22034/arq.2024.212248](https://doi.org/10.22034/arq.2024.212248)

© نویسندگان نوع مقاله: پژوهشی ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم



۱. مقدمه

نگرش یکی از مباحث مهم در رشته‌های مختلف مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم ارتباطات، علوم سیاسی و تعلیم و تربیت است (بهنر و وانکناشر، ۱۳۸۴: ۵). نگرش‌ها بر قضاوت‌ها، رمزگردانی و یادآوری اطلاعات موجود در حافظه (بهنر و وانکناشر، ۱۳۸۴: ۲۴۸) و رفتارها مؤثرند از این‌رو از نگرش هر فرد می‌توان رفتار او را پیش‌بینی کرد (بهنر و وانکناشر، ۱۳۸۴: ۲۰۹-۲۱۲) چراکه مانند عینک‌هایی هستند که دید ما از واقعیت را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اگر این عینک‌ها را غبارگرفته باشد، دید ما از واقعیت مخدوش می‌شود و به تفسیر غلط از رویدادها و تصمیم‌گیری‌های نادرست منجر می‌شود که به‌طور مستقیم بر زندگی انسان‌ها اثرگذار است مثلاً سلامت جسم و روان، ارتباط با دیگران، موفقیت در زندگی دنیوی و اخروی و نحوه روبرو شدن با مشکلات و موانع و... تابع نگرش‌های ما هستند. نگرش‌های مثبت مانند خوش‌بینی، امیدواری و شکرگزاری می‌توانند به بهبود سلامت جسم و روان ما کمک کنند (نجاتی، ۱۴۰۲: ۷۸).

این نگرش‌ها می‌توانند به ما در مقابله با استرس، افزایش تاب‌آوری و ارتقای سطح شادی و رضایت از زندگی تقویت کنند؛ بنابراین خطر ابتلا به بیماری‌های روانی و جسمی در بین کسانی که نگرش‌های مثبت دارند کمتر است؛ اما نگرش‌های منفی مانند بدبینی، افسردگی و اضطراب می‌توانند سلامت جسمی و روانی ما را به‌شدت تحت تأثیر قرار دهند. این نگرش‌ها می‌توانند منجر به علائمی مانند استرس، بی‌خوابی، کمبود تمرکز، مشکلات درسی و حتی افسردگی بالینی شوند (بشیریان و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۸-۳۹)؛ از این‌رو می‌توان گفت که نوع نگرش انسان‌ها تأثیر فراوانی در سلامت روان آن‌ها خواهد داشت. همچنین نگرش‌های مثبت می‌توانند روابط ما با دیگران را تقویت کنند. برای مثال، اگر نسبت به دیگران خوش‌بین باشیم، احتمالاً با آن‌ها روابط صمیمی‌تر و پایدارتری خواهیم داشت و در سوی دیگر نگرش‌های منفی می‌توانند روابط ما با دیگران را خدشه‌دار کنند. برای مثال، اگر نسبت به

دیگران بدبین باشیم، ممکن است به آن‌ها سوءظن داشته باشیم و در برقراری ارتباط صمیمی با آن‌ها دچار مشکل شویم؛ از این رو می‌توان گفت که نوع نگرش انسان‌ها تأثیر فراوانی در روابط بین فردی آن‌ها خواهد داشت (رضایی و سلیمی، ۱۳۸۳: ۸۹-۹۰)

نگرش‌های مثبت با جذب فرصت‌های جدید می‌توانند به ما در موفقیت و رسیدن به اهداف و دستاوردهای بزرگ‌تر و پیشرفت‌های بیشتر کمک کنند برای مثال، اگر نسبت به توانایی‌های خود اعتماد داشته باشیم با انگیزه بیشتری تلاش خواهیم کرد و احتمال موفقیتمان افزایش خواهد یافت و در سوی دیگر نگرش‌های منفی می‌توانند مانع پیشرفت ما در مسیر موفقیت شوند. برای مثال، اگر نسبت به توانایی‌های خود بی‌اعتماد باشیم، ممکن است از تلاش برای رسیدن به اهدافمان دست بکشیم. همچنین نگرش مثبت می‌تواند فرد را در روبرو شدن با موانع و مشکلات رهبری کند و در مواجهه با چالش‌ها از افراد پشتیبانی نماید. زمانی که فرد به شکست‌ها با نگرش سازنده و مثبت نگاه کند، او می‌تواند از این تجربیات برای رشد و پیشرفت خود استفاده کند. از طرفی، تغییر نگرش منفی ممکن است موانع را بزرگ‌تر و حل ناپذیر به نظر آورده و باعث بی‌اعتمادی و ترس از ریسک شود؛ بنابراین، لازم است که نگرش‌های مثبت را شکل دهیم و نگرش‌های منفی را تغییر دهیم. این راهبردها در منابع دینی نیز یافت می‌شوند.

از منظر قرآن کریم باور و نگرش مثبت و درست به هستی یا همان ایمان و رفتار یا عمل صالح که نتیجه آن نگرش مثبت است؛ شرط کامیابی و موفقیت انسان‌هاست (عصر: ۲-۳)؛ از این رو راهکارهای فراوانی را برای تقویت و تثبیت نگرش‌های مثبت و تغییر نگرش‌های منفی پیشنهاد نموده است. امام‌خامنه‌ای هم متأثر از قرآن و روایات که در واقع تفسیر آیات قرآن هستند به برخی از این راهکارهای اشاره نموده‌اند؛ از این رو از باب کمک به رشد شناختی افراد جامعه و تغییر نگرش آن‌ها در جهت مثبت و در راستای جهاد تبیین و معرفی شخصیت قرآنی مقام معظم رهبری؛ در این مقاله، به معرفی و تبیین راهبردهای

شکل‌گیری و تغییر نگرش از دیدگاه قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله) خواهیم پرداخت.

از آثاری که به این مسئله پرداخته‌اند می‌توان به مقاله «نگرش و تغییر نگرش» (۱۳۹۵) نوشته فرزانه یوسفی و مهشید تجربه کار اشاره کرد که بعد از بیان اهمیت نگرش و کارکردهای آن به عوامل مؤثر بر نگرش از جمله وراثت، شرطی شدن و تقلید، یادگیری از راه تقویت و مشاهده، تعلق گروهی، محیط، تصور از خود، خانواده و فرهنگ پرداخته است.

مقاله «شکل‌گیری، تغییر و تثبیت نگرش در تعلیمات دینی» (۱۴۰۲) نوشته محمد ظاهر فهمی، در ضمن تبیین عوامل و معرفی الگوهای مختلف تغییر نگرش به انتقاد از نظام معارف و تحصیلات عالی و تربیت دینی کشور پرداخته و عدم توجه به بنیادهای تعیین‌کننده رفتار و خصوصیات روان‌شناختی انسان را به‌عنوان یکی از عوامل این ناکامی معرفی نموده است.

مقاله «مطالعه تطبیقی شیوه‌های تغییر نگرش در روان‌شناسی اجتماعی و روایات معصومان (علیهم‌السلام)» (۱۴۰۰) نوشته محمدرضا آکار و دیگران که به موضوع تحقیق ما نزدیک‌تر است به شیوه‌های تغییر نگرش در روان‌شناسی اجتماعی و روایات معصومان (علیهم‌السلام) پرداخته و آن‌ها را ذیل چهار گروه مبتنی بودن تغییر نگرش در این شیوه‌ها بر استدلال، برانگیختن عواطف، تغییر رفتار و تغییر نیاز انسان به‌صورت خلاصه برشمرده است. از منظر این مقاله در ضمن نگاه متفاوت روان‌شناسی اجتماعی و روایات معصومان (علیهم‌السلام) به ماهیت انسان، اشتراکات فراوانی بین آن‌ها در زمینه شیوه‌های تغییر نگرش افراد وجود دارد.

امتیاز مقاله پیش رو این است که مسئله محورتر و مفصل‌تر و فقط به یک دسته از راهکارهای تغییر نگرش یعنی بعد شناختی، آن‌هم از منظر اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری پرداخته است.

داده‌های این تحقیق، به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و به روش توصیفی و تحلیلی پردازش می‌شود و نوآوری این مقاله از این جهت است که در

عین بین‌رشته‌ای بودن، تنها مقاله‌ای است که به بررسی و تبیین راهبردهای شکل‌گیری و تغییر نگرش در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای می‌پردازد.

۲. مفهوم شناسی

نگرش: نگرش^۱ در لغت فارسی به معنی نگاه کردن و دیدن (برهان، ۱۳۸۰: ۹۰۸)، نگرستن، بینش و نظر و نگاه و ملاحظه و مشاهده (نفیسی، بی‌تا، ۵: ۳۷۶۳)، به‌دقت نظر کردن، توجه کردن، نظارت کردن، رعایت کردن، التفات کردن، عنایت کردن (دهخدا، ۱۳۹۰، ۲: ۳۰۳۶).

نگرش در اصطلاح روان‌شناسی به صورت‌های مختلفی تعریف شده است به‌عنوان مثال: «ارزشیابی جنبه‌های مختلف دنیای اجتماعی است و به سه عنصر شناختی، عاطفی و تمایل به عمل تقسیم می‌شود» (صفاری نیا و حسن‌زاده ۱۳۹۱: ۱۵)؛ اما بر اساس یکی از این تعاریفی که اکثر روانشناسان آن را قبول دارند نگرش عبارت است از «یک روش نسبتاً ثابت در فکر، احساس و رفتار نسبت به افراد، گروه‌ها و موضوع‌های اجتماعی؛ یا قدری وسیع‌تر، هرگونه حادثه‌ای در محیط فرد» (ترکان و کجباف، ۱۳۸۷: ۵۰)؛ به عبارت دیگر «نگرش، نظامی بادوام است که شامل یک عنصر شناختی، یک عنصر احساسی و تمایل به عمل است.» عنصر شناختی، شامل اعتقادات و باورهای شخص درباره یک اندیشه یا شیء است. عنصر احساسی یا عاطفی، آن است که معمولاً نوع احساس عاطفی با باورهای ما پیوند دارد و تمایل به عمل به جهت آمادگی برای پاسخگویی به شیوه‌ای خاص اطلاق می‌شود (کریمی، ۱۳۷۳: ۲۹۵)؛ بنابراین مؤلفه‌های نگرش، عبارت‌اند از افکار و عقاید، احساسات یا عواطف و تمایلات رفتاری. محققان در زمینه مؤلفه‌های نگرش نیز اتفاق نظر دارند و برای آن ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری در نظر می‌گیرند.

تفاوت نگرش و ارزش: ارزش‌ها اهداف گسترده‌تر و انتزاعی‌تر هستند و

اغلب فاقد یک موضوع یا نقطه ارجاع‌اند. شجاعت، زیبایی و آزادی از ارزش هستند و معیاری برای قضاوت محسوب می‌شوند که فرد برای تصمیم‌گیری از آن‌ها استفاده می‌کند و از این طریق نگرش‌های خاصی را در خود ایجاد می‌کند (پی فرگاس، ۱۳۷۳: ۳۱۹)؛ بنابراین ارزش‌ها از عوامل ایجاد نگرش هستند.

تفاوت نگرش و عقیده یا باور: عقیده یا باور چیزی است که شخص بر اساس حقایق پذیرفته‌شده خود به درستی آن معتقد است؛ بنابراین، دو نوع باور وجود دارد: برخی از باورها عاری از هیجان و اشتیاق هستند، مانند این باور که کمربند ایمنی برای جلوگیری از صدمات ناشی از تصادفات رانندگی مفید است؛ اما گروهی از باورها علاوه بر یک مؤلفه ارزشی، یک مؤلفه عاطفی نیز دارد که به آن نگرش می‌گویند، مثلاً اعتقاد به خسیس بودن مردم فلان شهر، علاوه بر ارزش بودن، با عاطفه همراه است (پی فرگاس، ۱۳۷۳: ۳۱۹)؛ پس می‌توان گفت هر نگرشی نوعی باور یا عقیده نیز هست؛ اما عکس آن صادق نیست و بین نگرش و باور یا عقیده رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است.

تفاوت نگرش و علاقه: نگرش و علاقه هر دو به دوست داشتن و دوست‌نداشتن مربوط می‌شوند، هر دو می‌توانند به ترجیحات مربوط به فعالیت‌ها، نهادهای اجتماعی یا گروه‌ها مربوط باشند و هر دو شامل احساسات شخصی نسبت به یک شیء یا نهاد اجتماعی یا گروه تصور می‌شوند (پی فرگاس، ۱۳۷۳: ۳۱۹)؛ درحالی‌که نگرش‌ها ارزیابی‌های کلی ما از چیزها هستند، ولی علاقه‌ها تمایلات ما برای یادگیری بیشتر یا مشارکت در مورد آن‌ها هستند؛ به عبارت دیگر ماهیت و خمیرمایه نگرش شناخت است اما خمیرمایه علاقه احساسات و عواطف است. نگرش‌ها ارزیابی‌های کلی ما از چیزها هستند و علاقه‌ها تمایلات ما برای یادگیری بیشتر یا مشارکت در مورد آن‌ها محسوب می‌شوند؛ به عبارت دیگر، ماهیت و خمیرمایه نگرش شناخت است، درحالی‌که خمیرمایه علاقه احساسات و عواطف به شمار می‌رود.

راهبرد: راهبرد^۱ یا استراتژی در اصل مأخوذ از لاتین است و بیشتر کاربرد

نظامی و سیاسی دارد و به شیوه حرکت نیروهای نظامی راهبرد می‌گویند. راهبرد از کلمه یونانی strategos مرکب از stratos به معنای ارتش و ego به معنی رهبر گرفته شده است (اعرابی و دهقان، ۱۳۹۰: ۱۹۸). راهبرد تحقیق به طرح کلی و جامع یا نقشه‌ای اطلاق می‌شود که محقق برای هدایت تحقیق از آن استفاده می‌کند. این نقشه شامل انتخاب رویکرد تحقیق (کیفی، کمی یا ترکیبی) و همچنین چارچوبی است که مشخص می‌کند چگونه داده‌ها جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر خواهند شد. راهبرد تحقیق به‌عنوان نقشه کلی برای اجرای پروژه پژوهشی عمل می‌کند (Creswell, ۲۰۱۴: ۵-۷) مثلاً اگر تحقیق بر مبنای راهبرد کیفی انجام شود، به این معنی است که تحقیق به دنبال درک و تفسیر پدیده‌ها از منظر ذهنی و اجتماعی است؛ اما روش تحقیق به فن‌ها و فرایندهای خاصی که برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود، اشاره دارد که به محقق کمک می‌کند تا اطلاعات موردنیاز را به دست آورد و به سؤالات تحقیق پاسخ دهد. مثل روش‌های تحقیق مصاحبه، پرسشنامه، مشاهده، تحلیل محتوای کیفی، آزمون‌های آماری و غیره است. روش‌ها عملی‌تر و مشخص‌تر از راهبردها هستند و به چگونگی جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها تمرکز دارند.

به این ترتیب تفاوت‌های روش و راهبرد را می‌توان در جدول ذیل خلاصه نمود:

تفاوت	راهبرد	روش
کاربرد	جهت‌دهی به کل فرایند تحقیق	ابزارهای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها
هدف	مشخص کردن مسیر تحقیق	پاسخ به سؤالات تحقیق
سطوح	سطح بالاتر، کلی‌تر و جامع‌تر	سطح پایین‌تر و در مراحل عملی و خاص
انعطاف‌پذیری	کمتر انعطاف‌پذیر	انعطاف‌پذیرتر
ترتیب	معمولاً ابتدا راهبرد مشخص می‌شود	در مرحله بعد بر اساس راهبرد روش مناسب انتخاب می‌شود
مثال	رویکرد کمی، کیفی یا ترکیبی	پرسشنامه، مصاحبه، آزمایش، مشاهده

۳. راهکارهای شکل‌گیری و تغییر نگرش

روانشناسان عوامل یا شرایط مختلفی را به‌عنوان عوامل شکل‌گیری نگرش یا راه‌کار شکل‌گیری نگرش معرفی کرده‌اند که توصیف، توضیح و تبیین همه آن‌ها از عهده این مقاله خارج است. به‌عنوان مثال می‌توان از آموزش و یادگیری از طریق تجربه (انباشت تجربه و تمایز بین نگرش‌ها در تجربیات جدید)، ضربه عاطفی، تقلید از دیگران (ستوده، ۱۳۷۶: ۱۴۷)، اموری که نیازهای شخصی را برآورده می‌کنند، کسب اطلاعات بیشتر در مورد موضوع، احساس تعلق به یک گروه و شخصیت فرد (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۸۶۲) به‌عنوان عوامل شکل‌گیری نگرش نام برد که همه این‌ها را می‌توان با توجه به مؤلفه‌های سه‌گانه نگرش در سه دسته راهکارهای شناختی، رفتاری و عاطفی جا داد.

در منابع اسلامی هم برای شکل‌گیری و تغییر نگرش‌ها، راهبردهایی به چشم می‌خورد که با توجه به مؤلفه‌های سه‌گانه نگرش می‌توان آن‌ها را به سه دسته راهکارهای شناختی، رفتاری و عاطفی تقسیم کرد که این‌ها با حیطه‌های سه‌گانه یادگیری یعنی شناختی، عاطفی، روانی حرکتی هم منطبق هستند.

۳-۱. راهکارهای شناختی شکل‌گیری و تغییر نگرش در آموزه‌های دینی یکی از شیوه‌های ایجاد نگرش یا تغییر آن ایجاد شناخت صحیح است که مصادیق فراوانی از آن را می‌توان در متون دینی برشمرد در ادامه با توجه به محدودیت مقاله از باب مثال به تبیین تعدادی از این مصادیق می‌پردازیم.

الف) روش‌های مبتنی بر تفکر و تعقل

دعوت به تفکر و تعقل: از مصادیق شیوه تغییر نگرش در قرآن ایجاد، شناخت دعوت به تفکر و تعقل است. تفکر و تعقل به‌قدری مهم است که امام صادق (علیه‌السلام) یک ساعت تفکر را بهتر از یک سال عبادت کردن می‌داند (عیاشی، ۱۴۱۱ ق، ۲: ۲۰۸). فایده تفکر آن است که انسان

معارف توحیدی را خوب بفهمد و فهمیدن آن‌ها برای آن است که قلب دگرگون شود (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ۱۱: ۲۷۸)؛ به عبارت دیگر نگرش ایجاد شود یا تغییر پیدا کند. قرآن کریم در آیات فراوانی با عباراتی چون «إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (شعراء: ۲۸)، «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (بقره: ۲۴۲؛ یوسف: ۲)، «لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ» (بقره: ۲۶۶)، «لَا يَفْقَهُونَ» (منافقون: ۷) و «لَا يَشْعُرُونَ» (بقره: ۱۲)، بر تفکر و تعقل تأکید می‌کند و از مردم می‌خواهد که آگاهانه تصمیم بگیرند و عمل کنند. گاهی با استفهام توییحی اهمیت تفکر و عقلانیت را بیان می‌کند و از عدم توجه به آن را سرزنش می‌کند؛ مثلاً با عباراتی مانند «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (صافات: ۱۳۸؛ مؤمنون: ۸۰؛ انبیاء: ۶۷ و ...)، «أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ» (انعام: ۵۰) و «أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ» (یس: ۶۲) به‌طور مکرر، رفتارهای بدون عقلانیت و خرد را محکوم و مذمت می‌کند. همچنین قرآن کریم از غافلانی که از عقل خود استفاده نمی‌کنند با لحنی تند یاد می‌کند: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف: ۱۷۹) و در حقیقت، بسیاری از جئان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم. [چراکه] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آن‌ها نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آن‌ها نمی‌شنوند. آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌ترند. [آری]، آن‌ها همان غافل ماندگان اند.

این افراد کسانی هستند که با وجود توانایی تفکر و تعقل نمی‌کنند و چشم و گوش بسته‌اند و بدون تفکر حرف می‌زنند و بدون تعقل رفتار می‌کنند؛ بنابراین قرآن کریم مکرراً انسان‌ها را به تفکر و تدبیر در آیات الهی و جهان پیرامون دعوت می‌کند. این دعوت به تفکر و تأمل می‌تواند به تغییر نگرش‌های سطحی و نادرست منجر شود و دیدگاه‌های عمیق‌تر و صحیح‌تر را جایگزین کند.

امام خامنه‌ای هم با استناد به آیات قرآن بر حرکت دادن جامعه به‌سوی

اندیشه‌ورزی (بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰)، در اموری مثل آفرینش، وظائف انسان، زندگی دنیا، آخرت، اوضاع سیاسی عالم، مسائل اصولی و اساسی زندگی بشر (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان، ۱۳۹۱/۷/۱۲) تأکید می‌کنند.

توجه دادن به امور مهم

توجه دادن به اموری از قبیل عظمت خدا، مرگ، قیامت، عظمت هستی و... می‌تواند در تغییر نگرش مؤثر باشد. در راستای توجه دادن مردم به عظمت خداوند در قرآن آمده است که: «أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ بَنَاءً * رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا؛ (نازعات: ۲۸ و ۲۷) آیا آفرینش شما دشوارتر است یا آسمانی که او آن را برپا کرده است؟ سقفش را برافراشت و آن را منظم ساخت؟»

وقتی یک زن از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) درباره چگونگی درک عظمت خداوند پرسید حضرت فرمودند: «کره زمین با این عظمتش نسبت به آنچه او را احاطه کرده است مثل یک حلقه‌ای که در بیابان افتاده است. کل کره زمین نسبت به آنچه اطرافش را احاطه کرده است، مثل یک حلقه در یک بیابان است. همه این‌ها را وقتی نسبت به آسمان اول بسنجید، آسمان آن‌قدر بزرگ‌تر است که همه این‌ها تازه می‌شود مثل یک حلقه‌ای که در بیابان افتاده است. وقتی آسمان اول را نسبت به آسمان دوم بسنجید، آسمان دوم آن‌قدر بزرگ‌تر است که آسمان اول در مقابل مثل یک حلقه‌ای که در بیابان افتاده است همین‌طور تا برسد به عرش و خورشید (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۸: ۱۵۳).

خضوع و خشوع در برابر خداوند و اطاعت از او درگرو شناخت عظمت خداوند است. پس توجه به خداوند و ایجاد خضوع در برابر او ضروری است؛ ازاین‌رو لازم است که با توجه دادن به عظمت خداوند خضوع و خشوع در برابر او را ایجاد کنیم. چراکه به نظر امام خامنه‌ای این نگرش و ایمان باعث می‌شود که فرد حتی در برابر بزرگ‌ترین پادشاهان دنیا احساس حقارت نکند؛ زیرا او بنده‌ی

خدایی است که همه‌ی پادشاهان در مقابل او کوچک و حقیر هستند. همچنین، اگر تمام ثروتمندان عالم بخواهند با ثروتشان او را به خضوع و اداری کنند، موفق نمی‌شوند؛ چون انسان مؤمن می‌داند که همه‌ی این ثروت‌ها به خدا تعلق دارد و انسان‌ها فقط امانت‌دار آن‌ها هستند (تفسیر سوره ملک: آیات ۱ - ۲، ۱۳۶۳/۸/۱۸).

ایجاد ناهماهنگی شناختی

اگر افراد درک کنند که شناخت‌هایشان با رفتارشان متناقض است، تنش‌های روان‌شناختی ناخوشایندی را تجربه خواهند کرد که بدان ناهماهنگی شناختی گفته می‌شود (صفاری نیا و حسن‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۹). ناهماهنگی افراد را برمی‌انگیزد تا از طریق تغییر رفتار یا تغییر نگرش راهی جهت کاهش آن بیابند تا به هماهنگی شناختی برسند.

در قرآن کریم بارها از این روش برای تغییر نگرش استفاده شده است؛ به گونه‌ای که آنچه را که مردم به‌عنوان مبنا، اصل و یا ارزش قبول دارند را یادآوری و بر آن‌ها تأکید می‌کند و اگر به مقتضیات آن پایبند نباشند، مورد سؤال قرار می‌گیرند تا نوعی ناهماهنگی شناختی ایجاد شود. مثلاً به کافران معاد می‌گوید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عَلَقَةٍ...» (حج: ۵)؛ ای مردم اگر درباره برانگیخته شدن در شکید پس [بدانید] که ما شما را از خاک آفریده‌ایم سپس از نطفه سپس از علقه؛ یعنی اگر خلقت از نطفه را می‌پذیرید، باید معاد را نیز بپذیرید تا گرفتار ناهماهنگی شناختی نشوید.

در قرآن کریم برای حل ناهماهنگی شناختی چندین راه‌حل پیش‌بینی شده است. گاهی توبه می‌کنیم و رفتاری که برخلاف نگرش خود انجام داده‌ایم را خطا می‌شماریم و با خود عهد می‌بندیم که دیگر آن را تکرار نکنیم و از این طریق به آرامش می‌رسیم. گاهی اعتبار و ارزش نگرشی که برخلاف آن عمل کرده‌ایم را انکار می‌کنیم. مثلاً کافران درباره نگرش ایمانی می‌گویند: «وَقَالَ

الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ...» (احقاف: ۱۱)؛ اگر اسلام چیز خوبی بود، ما نمی‌گذاشتیم افراد فقیر و پست در آن از ما پیشی بگیرند؛ یعنی چون اسلام باطل است، ما اجازه داده‌ایم که افراد فقیر و پست از ما پیشی بگیرند.

در جای دیگر، برادران حضرت یوسف (علیه‌السلام) برای توجیه گناه خود این چنین گفتند: «أَقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ» (یوسف: ۹)؛ [یکی گفت]: یوسف را بکشید یا او را به سرزمینی بیندازید تا توجه پدرتان معطوف شما گردد، پس از او مردمی شایسته باشید». از این سخن استفاده می‌شود که ایشان احکام دین را محترم و مقدس می‌شمردند و این عمل را گناه و آن را جرم می‌دانستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۹: ۳۲۳). آن‌ها شدت ناهماهنگی موجود بین شناخت قبلی (اینکه حضرت یوسف مانع بهره‌مندی از الطاف پدر بود) و شناخت موجود (گناه بودن نقشه‌ای که داشتند) را با توجیه توبه پس از ارتکاب گناه کم کردند و تصمیم به اجرای نقشه خود گرفتند.

مقام معظم رهبری با کلیدواژه‌هایی مثل وجدان کاری درصدد ایجاد ناهماهنگی شناختی در بین مسئولینی که کم‌کاری یا ترک فعل دارند است (بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۱۳۷۰/۲/۱۱) به این صورت که همه آن‌ها بر لزوم انجام وظائف کاری و شغلی خود به نحو احسن معترف هستند و اگر در عمل به این مطلب ملتزم نباشند در وجودشان یک ناهماهنگی شناختی به وجود خواهد آمد که می‌توان از آن به وجدان کاری تعبیر کرد که در حال سرزنش فردی است که وظائف کاری خود را به نحو احسن انجام نمی‌دهد. مقام معظم رهبری از اینکه خود ایشان در طول دوره هشت‌ساله ریاست جمهوری کم‌کاری نکرده‌اند احساس آرامش وجدان و رضایت خاطر دارند (بیانات در دیدار کارکنان نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۶۸/۵/۱۸) و به عبارت دیگر هماهنگی شناختی دارند.

توجیه شناختی نسبت به پیامد هر کار

آگاه شدن مردم از پیامدهای وضعی و شرعی، دنیوی و اخروی کارهای نیک و بد تأثیر به سزایی در تعبد آنها به احکام شرعی خواهد داشت. این نوع شناخت در ضمن وعده‌ها و وعیدهایی در قرآن و روایات به‌وفور یافت می‌شود. مرحوم صدوق یک کتابی روایی در این موضوع با عنوان ثواب الاعمال و عقاب الاعمال به رشته تحریر درآورده‌اند.

در فرهنگ قرآن هر که بدی کند، به همان مقدار کیفر می‌یابد و هر مؤمنی که کار شایسته انجام دهد (زن یا مرد) داخل بهشت می‌شود و از روزی بی حساب بهره‌مند خواهد شد: «مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ» (مؤمن: ۴۰)؛ هر که بدی کند، جز به مانند آن کیفر نمی‌یابد و هر که کار شایسته کند - چه مرد باشد یا زن - درحالی که ایمان داشته باشد، در نتیجه آنان داخل بهشت می‌شوند و در آنجا بی حساب روزی می‌یابند.

در دستگاه فضل الهی کار بد به همان اندازه مجازات و کار خوب ده برابر پاداش داده می‌شود: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مَثَلٍهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا» (انعام: ۱۶۰)؛ هر کس کار نیکی بیاورد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت و هر کس کار بدی بیاورد، جز مانند آن جزا نیابد. همچنین در دستگاه عدل الهی هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (انعام: ۱۶۴)؛ و هیچ باربرداری بار [گناه] دیگری را بر نمی‌دارد. در جای دیگر احوال مؤمنان و کافران را در آخرت بیان می‌کند تا مؤمنان تبشیر شوند و کافران انذار شوند. برای کافران لباس‌هایی از آتش آماده شده است؛ ولی مؤمنانی که کارهای شایسته کرده‌اند وارد باغ‌های درختان و نهرهای روان می‌شوند.

مقام معظم رهبری نیز در بیاناتشان به کرات به روایات و آیاتی که در پی توجیه شناختی نسبت به پیامد هر کارها هستند استناد می‌کنند تا نگرش‌های منفی را تغییر دهند و نگرش‌های مثبت را تثبیت کنند. همچنین ایشان با خلق

کلیدواژه‌هایی مثل تهاجم یا شبیخون فرهنگی غرب به نسبت به پیامدهای توجه یا عدم توجه مسئولین و مردم نسبت به آن هشدار داده و توجیه شناختی ارائه می‌دهند. مثلاً ایشان می‌فرمایند: «صدای فروریختن ایمان و اعتقاد ناشی از تهاجم پنهانی و زیرزیرکی دشمن - اگر شما ملت و عناصر فرهنگی بیدار نباشید - خدای نخواست، آن وقتی درمی‌آید که دیگر قابل علاج نیست» (بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی، ۱۳۷۱/۵/۲۱) یعنی نتیجه تهاجم فرهنگی دشمن فروریختن ایمان و اعتقادات مردم است که به سختی قابل ترمیم است و درجایی دیگر می‌فرمایند: «دشمنان می‌دانند اگر در تلاش‌های فرهنگی علیه انقلاب موفق و پیروز شوند، بقیه‌ی کارها برای آن‌ها آسان خواهد شد؛ لذا روی این متمرکزند» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۵/۶/۶)؛ یعنی نتیجه تهاجم فرهنگی دشمنان، آسان شدن تهاجم و دستبرد آن‌ها به سایر عرصه‌ها از قبیل اقتصاد و سیاست است.

۲. روش‌های مبتنی بر استدلال و برهان

یکی دیگر از مصادیق شیوه تغییر نگرش استدلال و برهان است که در قرآن و سنت به کرات و به اشکال مختلف مشاهده می‌شود. در برهان یا استدلال منطقی مقدمات و نتایج از قضایای یقینی هستند. سیر و حرکت ذهن از قضایای معلوم به قضیه مجهول استدلال نامیده می‌شود (خوانساری، ۱۳۷۶: ۱۱).

الف) برهان تمانع

قرآن کریم به‌عنوان کتاب مقدس اسلام، مملو از استدلال‌ها و برهان‌های منطقی برای اثبات عقاید دینی، آموزه‌ها و تبیین مسائل مختلف است. یکی از نمونه‌های بارز استدلال منطقی در قرآن، آیات مربوط به توحید و اثبات یگانگی خداوند است: «لَوْ كَانَ فِيهَا إِلَهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يُصِفُونَ» (انبیاء: ۲۲)؛ اگر در آسمان و زمین، خدایان دیگری جز الله وجود داشتند، یقیناً هر دو (آسمان و زمین) تباه می‌شدند؛ پس منزّه است خدا،

پروردگار عرش، از آنچه (مشرکان) وصف می کنند. در این آیه از یک استدلال منطقی برای اثبات یگانگی خداوند استفاده شده است که به «برهان تمانع» معروف است. برهان تمانع یک روش فلسفی و منطقی است که برای رد یک گزاره یا ادعا استفاده می شود. این برهان به این شکل عمل می کند که نشان می دهد اگر گزاره مورد نظر درست باشد، تناقضی به وجود می آید. در نتیجه، درست بودن آن گزاره رد می شود. تقریر برهان تمانع در آیه فوق به این شکل است که اگرچند خدا وجود داشتند (فرضیه)، به دلیل تضاد اراده ها، نظام جهان نمی توانست به این صورت منظم و پایدار بماند (نتیجه فرضیه) اما چون نظام جهان منظم و پایدار است (مشاهده واقعیت خارجی)؛ بنابراین تنها یک خدای یگانه وجود دارد که اراده و قدرت او به طور مطلق حاکم است و این نظم و پایداری را ایجاد و حفظ می کند (نتیجه گیری).

در بیانات امام خامنه ای هم گاهی از برهان تمانع استفاده می شود تا ایده ها، سیاست ها یا مواضع مختلف را نقد و بررسی کند. به عنوان مثال، اگر آیت الله خامنه ای ادعایی را رد کند، ممکن است با استفاده از این روش نشان دهد که پذیرش آن ادعا به تناقضی منجر می شود که با اصول یا واقعیت های موجود سازگار نیست. مثلاً ایشان نقد سیاست های خارجی غرب بیان می کنند که ادعای غرب درباره حمایت از حقوق بشر با عملکرد واقعی آن ها در تناقض است، زیرا در حالی که ادعای حمایت از حقوق بشر می کنند، در بسیاری از موارد از رژیم های سرکوبگر یا گروه های تروریستی مثل داعش و مجاهدین خلق حمایت کرده اند. (بیانات در دیدار شاعران و اساتید زبان فارسی، ۱۴۰۲/۱/۱۶).

برهان سبر و تقسیم

برهان سبر و تقسیم از جمله براهینی است که در علوم مختلف، مانند علم اصول فقه مورد استفاده قرار می گیرد. سبر در لغت، به معنای بررسی و تقسیم به معنای

جزء جزء کردن، فرق گذاشتن و جدا کردن است. سبر و تقسیم در اصطلاح، به معنای گردآوری صفاتی است که علت بودن آن‌ها احتمال داده می‌شود و سپس ارزیابی کردن تک‌تک آن‌ها و باطل نمودن و حذف کردن اوصافی که شایستگی علت را ندارد و در نتیجه، تشخیص دادن و تعیین اوصافی که برای علت بودن صلاحیت دارد (جمعی از محققان، ۱۳۸۹: ۴۸۸)؛ به عبارت دیگر در این نوع از برهان یا استدلال فرضیه‌ها و اقوال مختلف در مسئله را جمع می‌کنیم و سپس با کمک عقل هر یک از این اقوال را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم تا با بررسی و نقد همه احتمالات، یکی از آن‌ها اثبات شود.

در قرآن کریم به استفاده حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) از این روش اشاره شده است. ایشان برای بیدار کردن وجدان مخاطب خود، گاهی ستاره را پروردگار خود می‌خواند؛ گاهی ماه و گاهی خورشید؛ و هر کدام که غروب می‌کرد را رد می‌کند و سراغ دیگری می‌رود؛ وقتی خورشید هم غروب می‌کند به قوم خود اعلام می‌کند که همه این‌ها شایستگی خدا بودن را ندارند: «فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي» (انعام: ۷۶-۸۹)؛ پس چون شب بر او پرده افکند، ستاره‌ای دید گفت: این پروردگار من است. در جای دیگر وقتی بت‌های قومش را می‌شکند، می‌پرسند آیا این‌ها را تو شکستی؟ او می‌گوید: «آن بت بزرگ آن‌ها را شکسته است. اگر اینان قدرت سخن گفتن دارند، از خودشان پرسید!» آن‌ها با مراجعه به خودشان سرافکننده می‌شوند و می‌گویند خودت می‌دانی که آن‌ها حرف نمی‌زنند؛ سپس ابراهیم از این موقعیت استفاده می‌کند و استدلال می‌کند که «آیا چیزی را می‌پرستید که هیچ قدرت و نفع و ضرری برای شما ندارد؟» (انبیاء: ۶۲ - ۶۷).

امام رضا (علیه‌السلام) هم در برخورد با یکی از زنادقه از برهان سبر و تقسیم استفاده کردند و با بیان دست کم امکان صحیح بودن عقیده مسلمانان، زندیق را وادار به تفکر کردند که در هر صورت ضرری متوجه دین‌مداران و منفعتی متوجه کافران نخواهد بود: «ای مرد، اگر قول حق، گفته شما باشد (که چنین نیست) آیا جز این است که ما و شما همانند و برابریم؟ آنچه ما نماز گزاریم و روزه

گرفتیم و زکات دادیم و اقرار کردیم، ضرری برای ما ندارد؛ و اگر قول حق، گفته ما باشد (که این گونه نیز هست) آیا نه این است که شما هلاک شده و ما نجات یافته‌ایم؟» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۱، ۷۸).

امام خامنه‌ای هم به کرات از این روش قرآنی در بیانات خود استفاده کرده‌اند مثلاً ایشان در موضوع دشمنی‌های آمریکا علیه ایران به بررسی و تحلیل دقیق تمامی راه‌های ممکن برای مواجهه با فشارهای آمریکا از جمله تسلیم شدن و پذیرفتن خواسته‌های آمریکا، باج دادن به آن‌ها، مذاکره و تلاش برای مصالحه و مقاومت و ایستادگی در برابر فشار آن‌ها، نهایتاً به نتیجه می‌رسند که تنها راه درست، مقاومت و ایستادگی است (بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۴۰۱/۹/۵).

برهان نفی و اثبات

روش نفی و اثبات یکی از روش‌های مهم و مؤثر در استدلال منطقی است که هم در متون دینی مانند قرآن کریم و هم در سخنان رهبران و اندیشمندان از جمله امام خامنه‌ای به کرات به کار گرفته می‌شود. این روش با رد کردن ادعاهای نادرست و اثبات ادعاهای درست، به روشن شدن حقیقت و تقویت مواضع منطقی و تشکیل نگرش درست و تقویت آن کمک می‌کند.

«سبر و تقسیم» و «نفی و اثبات» هر دو روش‌های منطقی برای اثبات یا رد یک گزاره هستند؛ اما تفاوت‌های مهمی در نحوه روش کار، کاربرد و مراحل دارند به این صورت که روش کار برهان سبر و تقسیم به این صورت است که موضوع به حالت‌های مختلف تقسیم می‌شود و هر حالت به‌طور جداگانه آزموده و رد یا تأیید می‌شود اما در نفی و اثبات ابتدا گزاره‌های نادرست رد می‌شوند و سپس گزاره درست اثبات می‌شود. کاربرد سبر و تقسیم بیشتر در مسائل پیچیده و چندبعدی که نیاز به تجزیه و تحلیل دقیق هر حالت دارند، به کار می‌رود اما نفی و اثبات معمولاً در مناظرات، مباحث فلسفی و دینی برای رد کردن ادعاهای نادرست و اثبات ادعاهای صحیح استفاده می‌شود. مراحل سبر و تقسیم شامل

تقسیم، آزمودن و رد کردن حالت‌های نادرست و تأیید حالت درست است اما نفی و اثبات شامل نفی گزاره‌های نادرست و سپس اثبات گزاره درست است. در قرآن کریم نیز نمونه‌های متعددی از این روش منطقی به کار رفته است. مثلاً در ابتدای آیت‌الکرسی (بقره: ۲۵۵) صفاتی مانند «مُوت» و «سُنَّه» و «نَوْم» که از صفات مخلوقات هستند، از خداوند نفی می‌شوند؛ سپس صفاتی مانند «حی» و «قیوم» و «مالک السموات و الارض» به خداوند نسبت داده می‌شود که از صفات کمالی و مختص ذات الهی هستند که در نهایت با نفی صفات مخلوقات از خداوند و اثبات صفات کمالی برای او، یگانگی و بی‌همتایی خداوند اثبات می‌شود.

امام خامنه‌ای بارها در بیانات و آثار مکتوب خود از این استدلال منطقی استفاده کرده‌اند. مثلاً یکی از نمونه‌های استدلال نفی و اثبات در سخنان امام خامنه‌ای، موضوع لزوم ایستادگی و مقاومت در برابر فشارهای خارجی، به‌ویژه تحریم‌های اقتصادی است. ایشان بارها با استفاده از این روش منطقی، دلایل نادرست بودن تسلیم و ضرورت مقاومت را توضیح داده‌اند به این صورت که ابتدا ادعای نادرست مبنی بر کارآمد بودن تسلیم و مذاکره از موضع ضعف را رد می‌کنند (نفی) و سپس با ارائه دلایل تاریخی و منطقی، ضرورت مقاومت و ایستادگی در برابر فشارهای خارجی را اثبات می‌کنند (اثبات). این روش استدلالی به تقویت مواضع، باورهای مخاطبان کمک می‌کند و آن‌ها را به اتخاذ رویکردهای مقاومتی ترغیب می‌نماید (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

تمثیل و تجسیم

تمثیل در لغت به معنای «تشبیه کردن» و «مَثَل آوردن» (نفیسی، بی‌تا، ۲: ۹۶۵) در اصطلاح اصول فقه، فلسفه و منطق به معنی اثبات حکمی در یک جزئی به خاطر وجود آن حکم در جزئی دیگر است (بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۱۴ ق: ۶۶؛ شهرزوری، ۱۳۷۲: ۱۲۶؛ تونجی و هلال، ۱۴۲۴: ۹۹). تمثیل یکی از ابزارهای

قدرتمند برای تغییر یا تثبیت نگرش‌ها است. با استفاده از داستان‌ها، مثال‌ها و تصاویر ملموس، تمثیل‌ها می‌توانند مفاهیم پیچیده و انتزاعی را به شکلی ساده و قابل فهم بیان کنند. این روش در آموزه‌های دینی، ادبیات و حتی روان‌شناسی به کار گرفته می‌شود تا پیام‌ها به‌طور مؤثرتری منتقل شوند.

تمثیل‌ها می‌توانند افراد را به تفکر و تدبیر بیشتر وادار کنند. با ارائه مثال‌های ملموس، افراد را به تأمل در مفاهیم عمیق‌تر وادار می‌کنند همچنین تمثیل‌ها به دلیل استفاده از تصاویر و داستان‌های ملموس، می‌توانند تأثیرات عاطفی و احساسی قوی‌تری بر مخاطب بگذارند. این تأثیرات می‌توانند به تغییر نگرش‌ها و تثبیت دیدگاه‌های جدید کمک کنند.

در سوره عنکبوت، آیه ۴۱، خداوند حالت کسانی که به‌غیراز خداوند تکیه می‌کنند را به خانه عنکبوت تشبیه کرده است: «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ»؛ مثال کسانی که به‌جای خداوند دوستانی اتخاذ کرده‌اند، مانند عنکبوت است که خانه‌ای ساخته است و در حقیقت سست‌ترین خانه‌ها، خانه عنکبوت است». این تمثیل به‌وضوح نشان می‌دهد که تکیه بر غیر خداوند چقدر بی‌اساس و ناپایدار است.

امام خامنه‌ای نیز در سخنان خود از تمثیل‌ها به‌طور گسترده‌ای استفاده می‌کنند تا مفاهیم و پیام‌های خود را به شکلی واضح و قابل‌درک بیان کنند. ایشان برای لزوم تلاش و حرکت ناامید نشدن در برابر مشکلات تمثیل بسیار زیبایی دارند به این بیان که اگر شما در یک بیابان تاریک و وسیع، تنها با یک چراغ کوچک هستید و باید تا انتهای بیابان بروید. این شمع فقط یک متر از اطراف شما را روشن می‌کند و شما نگرانید که چطور با این شمع کوچک می‌توانید ده کیلومتر راه را طی کنید. پاسخ به این نگرانی این است که باید قدم‌به‌قدم جلو بروید؛ چون با هر قدمی که برمی‌دارید، یک متر دیگر روشن می‌شود. با این روش، کل مسیر به‌تدریج و هم‌زمان با حرکت شما روشن می‌شود و به این صورت می‌توانید تمام مسیر را طی کنید و به مقصد برسید (خامنه‌ای،

۱۳۹۲: ۱۷۸ و ۱۷۷).

تمثیل‌ها ابزارهای قدرتمندی برای تغییر و تثبیت نگرش‌ها هستند. آن‌ها با ساده‌سازی مفاهیم پیچیده، ایجاد تأثیرات احساسی و عاطفی و تشویق به تفکر و تدبیر، می‌توانند پیام‌ها را به شکلی مؤثرتر منتقل کنند. استفاده گسترده از تمثیل‌ها در قرآن، سنت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و بیانات رهبران دینی مانند امام‌خامنه‌ای نشان‌دهنده اهمیت و کارایی این روش در هدایت و تربیت انسان‌ها است. از این رو، تمثیل‌ها نه تنها در تعلیم و تربیت دینی بلکه در تمامی زمینه‌های آموزشی و تربیتی می‌توانند به‌عنوان ابزاری مؤثر و ارزشمند به کار گرفته شوند.

تشبیه

تشبیه در لغت به معنی مشابهت، یکسانی، ماندگی یا ماندن کردن یک یا چند چیز به یک یا چند چیز دیگر است (دهخدا، ۱۳۹۰، ۲: ۷۴۰) و در اصطلاح علم بیان عبارت است از قرار دادن همانندی بین دو چیز یا بیشتر از دو چیز که در یک صفت یا بیشتر از یک صفت با یکدیگر اشتراک دارند (الهاشمی، بی‌تا: ۲۱۹). استدلال از راه تشبیه به محسوسات، از پرتکرارترین استدلال‌ها در قرآن است که عموم مردم هم بهتر می‌توانند از آن به نتیجه مطلوب برسند. مثلاً در آیه «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت: ۴۱). خداوند متعال در این آیه دوستی و توکل به غیر خدا را به خانه عنکبوت تشبیه می‌کند که ضعف و بی‌اعتمادی آن به چشم همگان مشهود است و از این طریق به مردم می‌فهماند که فقط به خدا توکل کنند و از اعتماد و توکل بر غیر خدا بپرهیزند.

در بیانات آیت‌الله‌خامنه‌ای نیز از تشبیه به‌وفور استفاده می‌شود تا پیام‌های وی روشن‌تر و تأثیرگذارتر به مخاطبان منتقل شود. مثل تشبیه شبهه به ویروسی است که وقتی که وارد شد، خارج شدنش مشکل است، جزو بیماری‌های مسری هم هست، سرایت هم می‌کند. (بیانات در دیدار ائمه‌جمعه سراسر کشور، ۱۴۰۱/۵/۵).

۳. روش استناد به قرآن و سنت

استناد به قرآن و سنت در تغییر یا تثبیت نگرش‌ها نقش حیاتی و محوری دارد. چراکه این منابع علاوه بر مقبولیت و اطمینان آوری در نزد عامه مسلمین جامع و هماهنگ با فطرت انسانی هستند و می‌توانند به‌عنوان راهنمایی مطمئن در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مورد استفاده قرار گیرند و با ارائه ارزش‌ها، اصول و الگوهای صحیح، نگرش‌های نادرست را اصلاح کرده و نگرش‌های صحیح را تثبیت می‌کنند. همچنین، با ایجاد انگیزه، تبیین حقایق و ایجاد هماهنگی و وحدت در جامعه اسلامی، راهنمایی مطمئن برای مسلمانان در تمامی ابعاد زندگی فراهم می‌کنند. خود اهل بیت (علیهم‌السلام) برای متقاعدسازی و تغییر نگرش افراد به کرات از این شیوه استفاده می‌کردند مثلاً حضرت علی (علیه‌السلام) در تبیین ظلمی که نابخشودنی است به قرآن استناد می‌کند (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق: ۲۵۵، خطبه ۱۷۶) و یا اینکه بسیاری از احادیث ائمه معصومین (علیهم‌السلام) مستند به فرمایشات حضرت رسول‌الله (صلی‌الله علیه و آله) است.

امام خامنه‌ای در بیانات و آثار خود به‌طور مکرر به قرآن و سنت استناد می‌کنند تا اصول و ارزش‌های اسلامی را تبیین و تثبیت کنند. این استنادها نه تنها به‌عنوان تأییدی بر سخنان ایشان عمل می‌کند بلکه به پیروان و مخاطبان ایشان نشان می‌دهد که راهنمایی‌های ایشان بر پایه منابع معتبر و الهی استوار است. این روش، موجب تقویت باورهای دینی و ایجاد اعتماد و اطمینان در میان مسلمانان می‌شود؛ بنابراین ایشان این منابع را به‌عنوان راهنمای اصلی در تغییر و تثبیت نگرش‌ها و همچنین هدایت جامعه به سمت اهداف الهی و انسانی به کار می‌برند. مثلاً ایشان در تبیین نگرش اسلام نسبت به زنان، بوسیدن دست حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله علیها) توسط حضرت رسول‌الله (صلی‌الله علیه و آله) را به‌عنوان مثال ذکر می‌کنند (بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، ۱۳۷۰/۱۰/۰۴).

۴. روش الگودهی

الگودهی یکی از مهم‌ترین شیوه‌ها برای تغییر نگرش مخاطبان است که در متون دینی و سیره معصومان (علیهم‌السلام) به‌وفور یافت می‌شود. ایشان علاوه بر اینکه افرادی را به‌عنوان الگو و اسوه معرفی می‌کردند خودشان هم با رفتار و کردارشان برای مردم الگو بودند. الگو در لغت به معنای سرمشق و اسوه آمده است (دهخدا، ۱۳۹۰، ۱: ۲۲۱)؛ اما در اصطلاح و در علوم گوناگون به معانی متفاوت و البته نزدیک به هم آمده است. در حوزه تعلیم و تربیت، معنای اصطلاحی الگو کاملاً با معنای لغوی آن تطابق دارد و به طرح و نمونه یا مدلی از شکل یا اشیا یا موردی از رفتار اطلاق می‌شود (حسینی نسب و علی اقدم، ۱۳۷۶: ۶۳۲). در مورد انسان نیز، الگو به شخصیتی گفته می‌شود که به دلیل دارا بودن برخی خصوصیات، شایسته تقلید و پی‌روی است. در روان‌شناسی اجتماعی، مدل به کسی گفته می‌شود که کودکان رفتارش را تقلید کنند (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۶۴۰). به ارائه الگوهای مثبت و حقیقی که در خارج تحقق‌یافته و قابل مشاهده است روش تربیتی الگویی اطلاق می‌گردد (قائم‌ی مقدم، ۱۳۸۹: ۲۶).

قرآن و سنت به ارائه الگوهای مثبت (مانند پیامبران و صالحان) و الگوهای منفی (مانند فرعون و قوم لوط) می‌پردازند. این الگوها به‌عنوان نمونه‌هایی برای تقلید یا اجتناب از آن‌ها معرفی می‌شوند و می‌توانند نگرش‌ها و رفتارهای افراد را تغییر دهند. مثلاً خداوند متعال در آیه ۲۱ سوره مبارکه احزاب می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) سرمشق نیکویی بود، برای آن‌ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند». این آیه اشاره دارد به روش تربیت الگویی و اینکه در تربیت باید ابعاد مختلف زندگی و موفقیت الگوهای نیکو را به‌متربی معرفی کنیم تا از آن‌ها درس بگیرد و چراکه انسان فطرتاً الگو‌گزین و اسوه‌پذیر است و دوست دارد که ارزش‌های موردعلاقه خود را با الگوپذیری از چهره‌های مجسم، همانندسازی کند.

معرفی الگوهای شایسته و هدایت‌شده و راهنماهای راه‌یافته می‌تواند از عوامل مؤثر در جهت تربیت و هدایت انسان‌ها محسوب گردد چراکه مشاهده و شناخت الگو و اسوه‌ای شایسته که در مسیر زندگی دنیا و عبودیت بر مشکلات فائق آمده و راه سعادت را پیموده باشد می‌تواند مایه تأسی و موجب آرامش خاطر انسان شده و روح تلاش و کوشش را در او تقویت کند (سادات فخر، ۱۳۸۸، ۳: ۳۲۲-۳۲۷).

مقام معظم رهبری درباره الگوپذیری فطری انسان‌ها و لزوم الگوپذیری از الگوهای شایسته معتقدند که هر کس به دنبال الگو و اسوه‌ای است، اما همه راه درست را نمی‌روند. برخی افراد الگوهای حقیر و کوچک را انتخاب می‌کنند که عمرشان به پیروی از هوای نفس گذشته و تنها هنرشان سرگرم کردن لحظه‌ای انسان‌های غافل است. برخی دیگر سیاستمداران و شخصیت‌های تاریخی را الگوی خود قرار می‌دهند؛ اما زیرک‌ترین انسان‌ها، اولیاءالله را الگو قرار می‌دهند؛ زیرا این افراد به اندازه‌ای شجاع و قوی هستند که می‌توانند امیر نفس خود باشند و از نفس خود ذلیل نشوند (بیانات در دیدار جمعی از پاسداران، ۱۳۷۵/۹/۲۴). ایشان درجایی دیگر با اشاره به آیه ۲۱ سوره مبارکه احزاب فرمودند: «زندگی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) زندگی برای خدا، در راه خدا و وقف گسترش تعالیم الهی - و شخصیت یکتا و بی‌نظیر آن بزرگوار برای همه دوران تاریخ اسلام یک نمونه و درس و یک الگوی همیشگی است؛ «لکم فی رسول‌الله اسوه حسنة» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۳/۱/۲۶).

۵. روش معرفی عبرت‌ها

تغییر نگرش از طریق عبرت‌آموزی یکی از روش‌های مؤثر در اصلاح و تقویت دیدگاه‌های فردی و اجتماعی است. عبرت‌آموزی به معنای گرفتن درس‌ها و پندها از رویدادها و تجربیات گذشته، آنچه موجب هشیاری می‌شود و عبور کردن از غفلت به سوی آگاهی (دهخدا، ۱۳۹۰، ۲: ۱۹۶۹) است که می‌تواند به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای تغییر نگرش‌ها به کار گرفته شود.

عبرت و الگوی منفی هر دو به‌عنوان ابزارهایی برای تغییر و اصلاح نگرش‌ها و رفتارها به کار می‌روند، اما از نظر هدف، محتوا و روش استفاده تفاوت‌های مهمی با یکدیگر دارند. عبرت‌آموزی بر استخراج درس‌ها و پندها از نتایج و پیامدهای رویدادها یا تجربیات تمرکز دارد؛ درحالی‌که الگوهای منفی به‌وضوح رفتارهای نادرست و عواقب آن‌ها را نشان می‌دهند. عبرت‌آموزی معمولاً به‌صورت غیرمستقیم انجام می‌شود و نیاز به تفکر و تدبیر دارد تا درس‌های لازم از رویدادها استخراج شود اما ارائه الگوهای منفی به‌صورت مستقیم‌تر و با جزئیات بیشتر است تا به‌وضوح نشان دهد که چه اعمالی باید اجتناب شود. مفهوم عبرت و عبرت‌آموزی به‌ویژه در آموزه‌های اسلامی، قرآن کریم و سنت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) جایگاه ویژه‌ای دارد. به‌عنوان مثال قرآن کریم به‌طور مکرر به سرنوشت امت‌های گذشته اشاره می‌کند و از مؤمنان می‌خواهد که از سرگذشت آن‌ها عبرت بگیرند (آل‌عمران: ۱۳۷)؛ عبرت منفی از کردار فرعون و عبرت مثبت از کردار موسی. فرعون چه کرد که این‌طور نباشی، موسی چه کرد که این‌طور باشی (مطهری، ۱۳۸۹، ۲۸: ۳۳۹) این تأمل در تاریخ و نتایج اعمال گذشتگان می‌تواند نگرش‌های نادرست را اصلاح کند و دیدگاه‌های صحیح را تقویت نماید.

امام خامنه‌ای نیز در سخنان خود به اهمیت عبرت‌آموزی و تأمل در تاریخ و حوادث اشاره کرده‌اند و بر لزوم تغییر نگرش‌ها از طریق عبرت‌آموزی تأکید داشته‌اند. ایشان همواره به مردم و مسئولین توصیه می‌کنند که از تجربیات گذشته درس بگیرند و بر اساس آن، تصمیمات صحیحی اتخاذ کنند. ایشان معتقدند که «عبرت از گذشتگان، درس و آموزش قرآن است» (بیانات در دیدار جمعی از پاسداران، ۱۳۷۴/۱۰/۵) و «هر ملتی که از حوادث درس گرفت، پیروز و موفق خواهد شد» (خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۸/۵/۸)؛ ازاین‌رو عبرت‌آموزی به‌عنوان یک روش مؤثر در تغییر نگرش‌ها، با استناد به قرآن و سنت و تأمل در تاریخ و تجربیات گذشته، می‌تواند به اصلاح و تقویت دیدگاه‌ها و نگرش‌های فردی و اجتماعی کمک کند. این روش به‌ویژه در

آموزه‌های اسلامی و بیانات رهبران دینی مانند امام خامنه‌ای جایگاه ویژه‌ای دارد و می‌تواند به‌عنوان ابزار قدرتمند برای هدایت افراد و جوامع به‌سوی نگرش‌های صحیح و سازنده به کار گرفته شود.

۶. روش قصه‌گویی

قصه‌گویی یکی از قدرتمندترین ابزارها برای تغییر نگرش‌ها است. از زمان‌های باستان، قصه‌ها به‌عنوان وسیله‌ای برای انتقال دانش، ارزش‌ها و تجربه‌ها استفاده شده‌اند. قصه‌ها به دلیل ویژگی‌های منحصر به فردشان می‌توانند به شکل مؤثری در تغییر نگرش‌های فردی و جمعی نقش ایفا کنند و می‌توانند مفاهیم پیچیده و انتزاعی را به زبان ساده و قابل فهم بیان کنند. این امر به مخاطبان کمک می‌کند تا پیام‌های نهفته در قصه را به خوبی درک کنند. مثلاً در داستان حضرت موسی (علیه‌السلام) و فرعون در قرآن کریم، به خوبی مفهوم مبارزه با ظلم و اهمیت ایمان به خدا را به تصویر می‌کشد. این قصه به سادگی و با زبانی قابل فهم نشان می‌دهد که چگونه ایمان و استقامت می‌تواند بر ظلم و ستم غلبه کند، همچنین قصه‌ها می‌توانند هویت فرهنگی و دینی را تقویت کنند. با بازگو کردن داستان‌های مرتبط با تاریخ و فرهنگ دینی، افراد به ارزش‌ها و باورهای خود پایبندتر می‌شوند مثلاً داستان حضرت یوسف (علیه‌السلام) که در قرآن کریم از آن به احسن القصص تعبیر شده است نماد کامل یک انسان باتقوا و عفیف به تصویر کشیده شده است. بسیاری از روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز به صورت داستان هستند مثلاً در کتاب شریف اصول کافی روایت شده است که امام صادق (علیه‌السلام) در متقاعدسازی و تغییر نگرش مخاطبین، داستان مردی از بنی اسرائیل را بیان کرد که دعای او مستجاب نمی‌شد تا اینکه زبانش را نیک و قلبش را خداترس و نیتش را پاک کرد تا اینکه دعایش مستجاب شد (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۲: ۳۲۴-۳۲۵).

شهید مطهری برخی از داستان‌های موجود در روایات را در کتاب *داستان راستان* محمود ناصری داستان‌های کتاب *بحارالانوار* را در کتابی ده جلدی با

عنوان داستان‌های بحارالانوار گردآوری کرده است. امام‌خامنه‌ای در سخنان خود از قصه‌ها و داستان‌ها برای انتقال پیام‌ها و تغییر نگرش‌ها بهره می‌برند. ایشان از داستان‌های تاریخی و مذهبی برای الهام‌بخشی و تقویت ایمان و انگیزه استفاده می‌کنند. مثلاً ایشان در بیان اینکه ممکن است برخی از رهبران به آنچه می‌گویند ایمان ندارند یا اینکه ایمان کافی ندارند داستان یکی از رهبران شوروی کمونیستی را نقل می‌کنند که با وجود اینکه داعیه الحادی داشتند و با هرگونه تفکر غیرمادی مخالف بودند برای اینکه دل میلیون‌ها هندوی تازه استقلال‌یافته را به دست بیاورد بر پیشانی‌اش نماد تیلاک را نقاشی کرده بود که جنبه معنوی و روحانی دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۹۰-۹۱). از منظر ایشان رمان که نوعی قصه است یک ابزار خوبی است برای انتقال اندیشه‌ها و «هیچ بیانی نمی‌تواند تاریخ را مثل داستان و قصه بیان کند» (دیدار مسئولین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با رهبر انقلاب، ۱۳۷۵/۰۲/۳۱).

نتیجه‌گیری

تحلیل اندیشه‌های قرآنی مقام رهبری نشان می‌دهد که برای شکل‌گیری و تغییر نگرش‌ها، راهبردهایی وجود دارد که با توجه به مؤلفه‌های سه‌گانه نگرش می‌توان آن‌ها را به سه دسته راهکارهای شناختی، رفتاری و عاطفی تقسیم کرد. این راهکارها با حیطه‌های سه‌گانه یادگیری یعنی شناختی، عاطفی و روانی حرکتی در روان‌شناسی یادگیری نیز منطبق هستند.

تحلیل روان‌شناختی اندیشه‌های قرآنی مقام رهبری نشان می‌دهد که راهکارهای شناختی متعددی برای ایجاد یا تغییر نگرش وجود دارد. این راهکارها به چند دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

۱. روش‌های مبتنی بر تفکر و تعقل مثل دعوت به تفکر و تعقل، توجه دادن به امور مهم، ایجاد ناهماهنگی شناختی و توجیه شناختی نسبت به پیامد هر کار. تحلیل روان‌شناختی: این روش با فعال کردن ذهن و تشویق به پرسشگری، به فرد کمک می‌کند تا باورهای خود را به چالش بکشد و به دنبال پاسخ‌های

منطقی باشد و به درک عمیق‌تری از حقایق هستی دست یابد و نگرش خود را متحول کند.

۲. روش‌های مبتنی بر استدلال و برهان مثل استدلال و برهان منطقی، برهان سبر و تقسیم، برهان نفی و اثبات، تمثیل و تجسیم و تشبیه.

تحلیل روانشناختی: استدلال‌های منطقی به فرد کمک می‌کنند تا با اطمینان بیشتری به باورهای جدید دست یابد و نگرش‌های قبلی خود را تغییر دهد. این استدلال‌ها، به‌ویژه برای افرادی که به دنبال منطق و دلیل هستند، بسیار مؤثر است.

۳. استناد به قرآن و سنت

تحلیل روانشناختی: با توجه به اینکه آموزه‌های قرآن و سنت با فطرت انسان هماهنگ هستند و ثابت و پایدار و غیرقابل تغییرند، جامعیت دارند و به همه جوانب زندگی بشری توجه دارند، در نزد مؤمنین قابل اعتماد بوده و از اعتبار بالایی برخوردارند از این رو این روش با ایجاد حس اطمینان در وجود مردم به آن‌ها کمک می‌کند نگرش‌های نادرست خود را اصلاح کنند و نگرش‌های صحیح مطابق با حقیقت را شکل دهند.

۴. روش مبتنی بر الگودهی

تحلیل روانشناختی: الگوگیری از افراد موفق و محبوب، به فرد انگیزه می‌دهد تا به سمت بهبود خود حرکت کند و نگرش‌های مثبت‌تری را در خود پرورش دهد. شناخت الگوهای مفید، به‌ویژه برای جوانان، بسیار جذاب و تأثیرگذار است.

۵. روش مبتنی بر عبرت‌آموزی

تحلیل روانشناختی: ترس از تکرار اشتباهات دیگران، یکی از انگیزه‌های قوی برای تغییر نگرش است مثلاً داستان‌های عبرت‌آموز از قوم‌های گذشته، به فرد نشان می‌دهد که چه عواملی و ازجمله چه نگرش‌هایی باعث سقوط و نابودی آن‌ها شده است. این داستان‌ها، به فرد کمک می‌کنند تا از اشتباهات دیگران درس بگیرد و نگرش‌های مخرب خود را اصلاح کند.

۶. روش مبتنی بر قصه‌گویی

تحلیل روانشناختی: قصه‌ها، به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان، ابزاری بسیار مؤثر برای آموزش مفاهیم اخلاقی و دینی هستند چراکه توأم با اثرات الگودهی و عبرت‌آموزی، جنبه‌های احساسی و عاطفی فراوانی نیز دارند. این داستان‌ها با برانگیختن احساسات مثبت و منفی، به فرد کمک می‌کنند تا به درک عمیق‌تری از مفاهیم دینی دست یابد.

به‌طورکلی این یافته‌ها نشان می‌دهد که اندیشه‌های قرآنی مقام معظم رهبری بر اهمیت استفاده از روش‌های شناختی متنوع برای شکل‌گیری و تغییر نگرش‌ها تأکید دارد. این روش‌ها، با تمرکز بر تفکر، تعقل، استدلال، الگودهی و عبرت‌آموزی، می‌توانند به‌طور مؤثری در ایجاد نگرش‌های مثبت و تغییر نگرش‌های ناپسند به کار گرفته شوند.

با توجه به اینکه شکل‌گیری و یا تغییر نگرش یک فرایند تدریجی و پیچیده است و عوامل مختلفی بر این فرایند تأثیرگذار هستند؛ شکل‌دهی، تغییر و اصلاح آن‌هم راهکارهای متنوع و جامع می‌طلبند تا انسان بتواند به سمت رشد و کمال حرکت کند. ازاین‌رو ارائه روش‌های شناختی متنوع برای شکل‌گیری و تغییر نگرش‌ها در آثار مقام معظم رهبری بسیار هوشمندانه و منطقی است.

در ضمن پیشنهاد می‌شود که مؤسسات و دستگاه امور آموزش و پرورش، تبلیغ و فرهنگ، همانند روش قرآنی امام‌خامنه‌ای در محتوای آموزشی و رسانه‌ای خود به راهبردهای شناختی شکل‌دهی و تغییر نگرش عنایت داشته باشند مثل:

* ایجاد فضاهایی در محیط‌های آموزشی و فرهنگی که در آن‌ها پرسشگری، نقد و بررسی آزادانه ایده‌ها تشویق شود و از آموزش‌های مبتنی بر تفکر انتقادی و حل مسئله حمایت گردد.

* استفاده از استدلال‌های منطقی و شواهد قابل‌اتکا در محتوای آموزشی، تبلیغی و فرهنگی.

* برگزاری جلسات تفسیر قرآن، روایات و سیره اهل‌بیت (ع) در سطح جامعه و سازمان‌ها و همچنین استناد محتوای آموزشی، تبلیغی و ترویجی به قرآن و سنت.

- * معرفی و ترویج الگوهای رفتاری مناسب از شخصیت‌های قرآنی و تاریخی در رسانه‌ها و آموزش و پرورش.
- * تولید محتواهای فرهنگی و هنری مبتنی بر آموزه‌های قرآنی و روایات و بر اساس داستان‌های عبرت‌آموز، الگوساز و الهام‌بخش برای انتقال مفاهیم ارزشی به مخاطبان.

منابع و مآخذ

- * قرآن کریم.
- * نهج البلاغه (۱۴۱۴ ق). شریف‌الرضی، محمد بن حسین، (للصبحی صالح)، تصحیح: فیض‌الاسلام، چاپ اول. قم: هجرت.
- اعرابی، سیدمحمد و دهقان، نبی‌اله. (۱۳۹۰). «روش‌های تحقیق در مدیریت راهبردی». راهبرد. دوره ۲۰ (شماره ۶۰). صص ۱۹۳-۲۱۶.
- برهان، محمدحسین بن خلف. (۱۳۸۰). فرهنگ فارسی برهان قاطع. ۱ جلدی. تهران: نیما.
- بشیریان، سعید؛ ساعتی‌عصر، محمدحسن؛ براتی، مجید؛ شکری، زلیخا؛ امدادی، شهره؛ فلاح، فاطمه؛ احمدی، خدیجه. (۱۳۹۷). «ارتباط نگرش مذهبی و سلامت روانی دانشجویان دانشگاه‌های شهر همدان». مجله دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه. دوره ۶. شماره ۱. صص ۳۷-۴۵.
- بنیاد پژوهش‌های اسلامی. گروه کلام. (۱۴۱۴ ق). شرح المصطلحات الفلسفیه. ۱ جلدی. چاپ اول. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- بهمن، جرد؛ وانکناشر، میکائیل. (۱۳۸۴). نگرش و تغییر آن‌ها. مترجم: علی مهداد. چاپ اول. تهران: جنگل.
- پی‌فرگاس، جوزف. (۱۳۷۳). روان‌شناسی تعامل اجتماعی. ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت. چاپ اول: تهران، ابجد.
- ترکان، هاجر؛ کجیاف، محمد. (۱۳۸۷). «نگرش چیست؟». فصلنامه توسعه علوم رفتاری. سال اول. ش ۱. صص ۵۴-۴۹.
- تونجی، محمد، هلال، هیشم. (۱۴۲۴ ق-۲۰۰۳ م). معجم مصطلح الأصول. چاپ اول. بیروت: دار الجیل.
- جمعی از محققان. (۱۳۸۹). فرهنگ‌نامه اصول فقه. چاپ اول. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). مراحل اخلاق در قرآن کریم. ۱۸ جلدی. چاپ هفتم. قم: مرکز نشر اسراء.
- حسینی‌خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۲). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. چاپ اول. قم: صهبا.
- حسینی‌خامنه‌ای، سید علی. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی‌خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir/>.
- حسینی‌نسب، سید داود؛ علی‌ا قدم، اصغر. (۱۳۷۶). فرهنگ واژه‌ها، تعاریف و اطلاعات تعلیم‌وتربیت. چاپ اول. تهران: احرا.
- خوانساری، محمد. (۱۳۷۶). فرهنگ اصطلاحات منطقی، چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۹۰). لغت‌نامه دهخدا. ۲ جلدی. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رضائی، جعفر؛ سلیمی، نگین. (۱۳۸۳). «رابطه بین نگرش فرد نسبت به خود و نگرش فرد نسبت به دیگران». مطالعات مدیریت صنعتی. مقاله ۵. دوره ۲. شماره ۶. صص ۸۹-۱۰۶.

- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۰). *دایرةالمعارف علوم اجتماعی*. چاپ سوم. تهران: کیهان.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۷۶). *درآمدی بر روان‌شناسی اجتماعی*. چاپ سوم. تهران: آوای نور.
- شهرزوری، محمد بن محمود. (۱۳۷۲). *شرح حکمة الإشراف (شهرزوری)*. تحقیق و تصحیح: حسین ضیاعی. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صفاری نیا، مجید؛ حسن‌زاده، پرستو. (۱۳۹۱). *فرهنگ واژه‌های روان‌شناسی اجتماعی*. چاپ اول. تهران: انتشارات کتاب ارجمند.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۴۱۱ق-۱۹۹۱م). *تفسیرالعیاشی*. ۲ جلد. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- قائمی مقدم، محمدرضا. (۱۳۸۹). «روش الگویی در تربیت اسلامی». *مجله معرفت*. شماره ۶۹. صص ۳۷-۲۵.
- کریمی، یوسف. (۱۳۷۳). *روان‌شناسی اجتماعی*. چاپ اول. تهران: بعثت.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷ق). *الکافی (ط-الاسلامیة)*. محقق-مصحح: غفاری علی‌اکبر و آخوندی. محمد. ۸ جلدی. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- گولد، جولوس و کولب، ویلیام. (۱۳۷۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر پرهام. چاپ اول. تهران: نشر مازیار.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). *مجموعه آثار*. ۲۸ جلدی. بی‌جا. تهران و قم: صدرا.
- مکارم‌شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. چاپ سی و دوم. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- مهدی‌زاده، حسین. (۱۳۸۱). «کاوشی در ریشه قرآنی واژه «تربیت» و پیامد معنایی آن». *مجله معرفت*. شماره ۵۹. صص ۱۰۴-۱۱۰.
- نجاتی، صلاح‌الدین. (۱۴۰۲). «بررسی ارتباط میان نگرش مثبت به زندگی و بهبود سلامت روان از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع)». *مطالعات علوم اسلامی انسانی*. شماره ۳۳. صص ۷۷-۸۵.
- نفیسی، علی‌اکبر، فروغی، محمدعلی. (بی‌تا). *فرهنگ نفیسی*. ۵ جلدی. تهران: خیام.
- الهاشمی، أحمد بن إبراهیم بن مصطفی. (بی‌تا). *جواهر البلاغة فی المعانی والبیان والبدیع*. ضبط و تدقیق و توثیق: د. یوسف الصمیلی. بیروت، المكتبة العصرية.
- Creswell, J. W. (2014). *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches*. Out of place, out of print: SAGE Publications.

REFERENCES

- * The Holy Qur'an.
- * Nahj al-Balaghah (1414 AH). Sharif al-Radi, Muhammad ibn Husayn, (for Subhi Salih), edited by Fayd al-Islam, first edition. Qom: Hijrat.
- A group of researchers. (1389). Dictionary of Usoul Fiqh. First edition. Qom: Research Institute for Islamic Sciences and Culture. Research Assistant of the Islamic Propaganda Office of Qom Seminary.
- A'rabi, Seyyed Muhammad and Dehghan, Nabiollah. (1390). "Research Methods in Strategic Management". Strategy. Vol. 20. Issue 60. pp. 193-216.
- Al-Ayyashi, Muhammad ibn Masoud. (1411 AH-1991). Tafsir al-Ayyashi. 2 vols. Beirut: Al-A'lami Press.
- Al-Hashimi, Ahmad ibn Ibrahim ibn Mustafa. (n.d.). JeJawahir al-Balaghah fi al-Maani wa al-Bayan wa al-Badi. researched, verified and documented by Dr. Yusuf Al-Sumaili. Beirut, Al-Maktaba al-Asriya.
- Al-Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub ibn Ishaq. (1407 AH). Al-Kafi (Al-Islamiyyah Pub.). Researcher-Editor: Ghaffari Ali Akbar and Akhundi. Muhammad. 8 vols. Fourth Edition. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Al-Tunji, Muhammad, Hilal, Haitham. (1424 AH-2003). Dictionary of Fundamental Terms. First edition. Beirut: Dar Al-Jeel.
- Bahner, Jared; VanKansher, Michael. (1384). Attitudes and Their Change. Translator: Ali Mehdad. First edition. Tehran: Jangal.
- Bashirian, Said; Saati Asr, Mohammad Hasan; Barati, Majid; Shokri, Zuleikha; Emadi, Shohreh; Fallah, Fatemeh; Ahmadi, Khadijeh. (1397). "The Relationship between Religious Attitude and Mental Health of Students in Universities in Hamadan". Journal of Torbat-e-Heydariyeh University of Medical Sciences. Vol. 6. Issue 1. pp. 37-45.
- Burhan, Mohammad Hussein ibn Khalaf. (1380). Persian Dictionary of Burhan Qateh. 1 volume. Tehran: Nima.
- Creswell, J. W. (2014). Research Design: Qualitative, Quantitative. and Mixed Methods Approaches. Out of place, out of print: SAGE Publications.
- Dehkhoda, Ali Akbar. (1390). Dehkhoda Dictionary. 2 vols. Second edition. Tehran: Tehran University Press.
- Ghaemi Moghadam, Muhammad Reza. (1389). "A Model Method in Islamic Education". Marefat Magazine. Issue 69. pp. 25-37.
- Gould, Julius and Kolb, William. (1376). Dictionary of Social Sciences. Translated by Baqer Parham. First edition. Tehran: Maziar Publishing.
- Hosseini Khamenei, Seyyed Ali. (1392). Outline of Islamic Thought in the Qur'an. First edition. Qom: Sahba.
- Hosseini Khamenei, Seyyed Ali. Information website of the Office for the Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Seyyed Ali Khamenei. <https://farsi.khamenei.ir/>
- Hosseini Nasb, Seyyed Davud; Ali Aghdam, Asghar. (1376). Dictionary of Terms, Definitions and Information on Education. First edition. Tehran: Ahrar.
- Islamic Research Foundation. Theology Group. (1414 AH). Explanation of Philosophical Terms. 1 vol. First edition. Mashhad: Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation.
- Javadi Amoli, Abdullah. (1378). Stages of Ethics in the Holy Qur'an. 18 volumes. Seventh edition. Qom: Israa Publishing Center.

- Karimi, Yusuf. (1373). *Social Psychology*. First Edition. Tehran: Be'sat.
- Khansari, Mohammad. (1376). *Dictionary of Logical Terms*, Second Edition. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Makarem Shirazi, Naser. (1374). *Tafsir Nomooneh*. Thirty-second edition. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Mehdizadeh, Hossein. (1381). "An investigation into the Qur'anic origin of the word "Tarbiyat" and its semantic consequences". *Marefat Magazine*. Issue 59. pp. 104-110.
- Motahari, Morteza. (1389). *Collection of works*. 28 vols. Tehran: s.n. Qom: Sadra.
- Nafisi, Ali Akbar; Foroughi, Mohammad Ali. (n.d.). *Farhang Nafisi*. 5 vols. Tehran: Khayyam.
- Nejati, Salahuddin. (1402). "Investigation of the relationship between a positive attitude towards life and improving mental health from the perspective of the Commander of the Faithful (AS)". *Studies in Islamic Human Sciences*. Issue 33. pp. 77-85.
- P. Fargas, Joseph. (1373). *Psychology of Social Interaction*. Translated by Khashayar Beigi and Mehrdad Firouzbakht. First edition: Tehran, Abjad.
- Rezaei, Jafar; Salimi, Negin. (1383). "The Relationship Between an Individual's Attitude Towards Himself and Others". *Industrial Management Studies*. Article 5. Vol. 2. Issue 6. pp. 89-106.
- Safarinia, Majid; Hassanzadeh, Parastoo. (1391). *Dictionary of Social Psychology Terms*. First Edition. Tehran: Arjomand Book Publishing House.
- Sarukhani, Baqer. (1380). *Encyclopedia of Social Sciences*. Third edition. Tehran: Keyhan.
- Shahrzoori, Mohammad bin Mahmoud. (1372). *Explanation of Hikmat al-Ishraq* (for Shahrzoori). Researched and edited by Hossein Ziaei. First edition. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Sotoudeh, Hedayatollah. (1376). *Introduction to Social Psychology*. Third edition. Tehran: Avay-e Noor.
- Turkan, Hajar; Kajbaf, Mohammad. (1387). "What is Attitude?". *Quarterly Journal of the Development of Behavioral Sciences*. Vol. 1. Issue 1. pp. 54-49.

| Extended Abstract |

An Analytical Study on Cognitive Strategies for Attitude Formation and Change with Emphasis on the Qur'anic Thoughts of Imam Khamenei

Seyed Mohammad Alavizadeh ; Mehdi Hadi

Research Objective

This research aims to investigate cognitive strategies effective in shaping and changing individuals' attitudes from the perspective of Quranic teachings, with an emphasis on the thoughts of the Supreme Leader Imam Khamenei. In Quranic teachings, a positive and correct attitude towards existence or faith and righteous behavior are proposed as the basic conditions for human success and achievement (Asr: 2-3). This article attempts to introduce and analyze the strategies that the Holy Qur'an and the thoughts of the Supreme Leader have provided for the formation and reform of attitudes, using a descriptive-analytical method and citing library resources. The main objective of the research is to examine the Quranic principles and strategies in forming and changing attitudes, especially those strategies that have been emphasized in the thoughts of the Supreme Leader as practical approaches for changing and reforming individual and social attitudes. This research was also conducted in line with the Jihad of Tabyin to explain and introduce the Quranic personality of the Supreme Leader.

Research Method

This research has been conducted with a descriptive-analytical approach and based on the analysis of Quranic texts, narrations and works of the Supreme Leader. The research method includes a comparative study between Quranic concepts and psychological approaches to attitudes and their change. Also, the three principles of attitude (cognitive, emotional and behavioral) and their correspondence with the three areas of learning (cognitive, emotional and psychomotor) were analyzed.

Research Findings

The research findings show that in order to form attitudes and change them, there are a set of Quranic strategies and thoughts of the Supreme Leader that can be categorized into cognitive, behavioral and emotional strategies. Among them, cognitive strategies play a special role in creating positive attitudes and correcting negative attitudes. The identified cognitive strategies include the following:

1. Methods based on thinking and reasoning: These methods include inviting people to think, creating cognitive dissonance, paying attention to the consequences of each action, and cognitive justification. These measures challenge negative attitudes by activating the mind and strengthening the spirit of questioning, and provide the basis for positive change.

2. Logical reasoning and argument: Using logical arguments, such as the argument of Sabr and Taqsim (examination and calculation), along with negation, affirmation, and analogy, are powerful tools for changing attitudes. These methods are especially effective for people who are looking for logical reasons for their beliefs.
3. Citing the Qur'an and Sunnah: The teachings of the Qur'an and Sunnah, due to their harmony with human nature and their comprehensiveness, are a reliable reference for correcting attitudes and building trust in individuals.
4. Role modeling: Introducing successful Quranic figures as practical role models creates a strong motivation for changing attitudes. Positive behavioral models are very effective, especially for young people.
5. Lesson learning: Studying the stories of past nations in the Qur'an, as a tool for learning lessons, help people learn from the mistakes of others and correct their attitudes.
6. Storytelling: Stories are a suitable tool for teaching moral and religious concepts, especially for children and adolescents. In addition to educational effects, this method has strong emotional and sentimental aspects that help consolidate positive attitudes.

Conclusion

An analysis of the Supreme Leader's Quranic thoughts shows that cognitive strategies, with an emphasis on thinking, reasoning, modeling, and lesson learning, can be effective in shaping and changing attitudes. These strategies, in addition to being in line with the psychological foundations of learning, play a key role in creating positive individual and social transformations. Also, research results show that positive attitudes are created and consolidated through gradual and diverse processes, and the use of comprehensive and practical strategies in this direction is essential.

Suggestions

To close, it is suggested that educational, cultural, and propaganda institutions, inspired by the Supreme Leader's Quranic strategies, pay special attention to developing educational and media content based on these approaches, including:

- Encouraging questioning and critical thinking in educational environments.
- Using logical arguments and reliable evidence.
- Holding Qur'an and narrations interpretation sessions.
- Promoting positive behavioral models from Quranic and historical figures.
- Producing artistic and cultural content using instructive and inspiring stories.

Keywords: Attitude Formation, Attitude Change, Negative Attitude, Positive Attitude, Imam Khamenei.